

## مناسب برای طرح در کلاس

بسم الله الرحمن الرحيم

(پای تخته نوشته می شود)

موضوع : خدا باوری و تقرب به خدا

اهداف : هدف نهایی تقویت خدا باوری در دانش آموزان ؛

وسایل مورد نیاز : تخته و گچ - قرآن (در صورت امکان)

منابع : تفسیر نمونه ، قرآن

### ۱- جمال برنامه :

۱. بسم الله الرحمن الرحيم ، آشنایی کوتاه با دانش آموزان و ارزشیابی تشخیصی به طور شفاهی ( ۱۰ دقیقه)
۲. شروع بحث با نوشتن آیه ۷۹ سوره انعام پای تخته و خلاصه ای کوتاه در رابطه با کاری که حضرت ابراهیم (ع) انجام داد و با ترفندی جالب به مشرکان نشان داد ماه و خورشید و ستارگان خدایان خوبی برای پرستش نیستند ... (۱۰ دقیقه)
۳. مشروح مطالب (۲۰ دقیقه)
۴. دعای پایانی (۵ دقیقه)

### ۲- توضیح هر بخش :

۱. در ابتدا بسم الله الرحمن الرحيم را پای تخته نوشته و سپس پایین تر نا و نام خانوادگی خود را می نویسیم ؛ سپس اینگونه رو به دانش آموزان می گوئیم: " بچه ها لطفا شما هم یکی یکی خود را معرفی کنید و خیلی کوتاه نظرتون رو در باره ی خدا بگید ... اصلا به نظرتون چرا ما هر کاری که می کنیم اولش خوبه " بسم الله الرحمن الرحيم " باشه ؟ ؛ که البته ماها بیشتر وقتها یادمون میره بگیم !!  
خب از همین ابتدا شروع کنیم ... شما بگو ختنوم خوشگل .. "
  - با صحبت های بچه ها مقداری با سطح کلاس آشنا میشیم و می تونیم مطالب اضافه رو حذف کنیم یا در میان درس اگر بچه ها به نکات خوبی اشاره کرده بودند یادآوری کنیم که این خود موجب توجه بیشتر دانش آموزان و شرکت بیشترشان در بحث می شود
  ۲. آیه ۷۹ سوره ی انعام را پای تخته می نویسیم :
- " اِنِّیْ وَجْهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ حَنِیْفًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ "

ترجمه : من پاکدینانه روی می آورم به سوی کسی که آسمانها و زمین را آفریده است و من از مشرکان نیستم

بعد از نوشتن آیه روی تخته از بچه ها می پرسیم : " خب بچه ها کی میدونه این آیه از زبون چه کسیه ؟ کسی داستانش رو میدونه ؟ " در صورتی که کسی پاسخ مناسب داد تشویق میشه اگر کسی نمی دانست خودمان داستان رو تعریف می کنیم :

بچه های عزیز ؛ این آیه از زبان حضرت ابراهیم (ع) است... بچه ها می دونید حضرت ابراهیم یکی از بزرگترین پیامبران بودن که از خیلی امتحان های سخت الهی پیروزمندانه بیرون آمدن ... ماجرای پسرشون رو می دونید ؟ (چند ثانیه مکث) ایشون خواب می بینند که خداوند در خواب از او می خواهد که فرزندشون حضرت اسماعیل رو ذبح کنند (سرببرند) و ایشون هم در خواب این کار رو می کنند وقتی از خواب بیدار می شوند خیلی به فکر فرو میروند ... دو شب بعد هم باز این خواب رو می بینند و مطمئن می شوند که واقعا خداوند این را ازشون خواسته و با حضرت اسماعیل مطرح می کنند و او هم که خیلی پاک و خداپرست بوده به پدرش میگه ... پدر جان هر کاری که خدا ازت خواسته انجام بده ... خلاصه بچه ها حضرت ابراهیم هم این کار رو می کنه ولی وقتی که می خواستند حضرت اسماعیل رو ذبح کنند چاقو نمی بره و از سوی خدا یک قوچ به حضرت ابراهیم عطا میشه و خداوند به حضرت ابراهیم می فرمایند " ابراهیم ما این قربانی رو از تو قبول کردیم تو این قوچ را به جای پسرت ذبح کن ..."

خب بچه ها حالا این پامبر بزرگ یک بار می بینند که گروهی از مردم دارند ستاره ها رو می پرستند ... پیش اونها میرن و در کنار آنها به ظاهر شروع به پرستش ستاره ها می کنند وقتی صبح میشه و ستاره ها محو می شوند ... ایشون میگن ... این چه خدایی بود که صبح ها محو میشه ... من این اینطور خدا رو دوست ندارم ... در مورد ماه و خورشید هم به همین ترتیب ... همه تعجب می کنند پیش خودشون میگن عجبا ... ابراهیم راست میگه ها ... بعد از این ماجرا ها حضرت ابراهیم این آیه ی قشنگ رو که نوشتیم می گن ... " بعد آیه رو تلاوت می کنیم ... و در مورد تفسیر آیه در حد فهم کلاس صحبت می کنیم:

" بچه ها حضرت ابراهیم در این آیه به طور خیلی خلاصه خدا رو معرفی می کنه ؛ خدا کیه؟! کسی که فاطر آسمان ها و زمین ... فاطر یعنی چی ؟ فاطر به معنی "شکافنده" است وقتی که هیچ چیز در این عالم هستی وجود نداشت این خداوند بود که با خلقت خود تاریکی ها رو شکافت و آسمانها و زمین را آفرید ... بچه ها تا حالا به جهان اطراف دقت کردید ؟ ما روی کره ی زمین زندگی می کنیم و این کره در منظومه شمسی و این منظومه یکی از چندین منظومه در کهکشان راه شیری و آیا می دونستید میلیونها کهکشان دیگه هم وجود داره که تا حالا کشف شده و خدا می دونه که چقدر از این عالم خیل خیلی بزرگ کشف نشده !!!! حالا فکر می کنید ما توی این عالم اصلا چقدر به چشم میایم؟! در این جهان بزرگ هیچ موجودی

جرات یک حرکت خلاف خواسته ی خدا رو نداره اونوقت ما خیلی راحت از دستورات خدا سرپیچی می کنیم !!! ما بعضی وقت ها خیلی راحت یه کاری که دلمون می خواد انجام می دهیم در حالی که می دونیم خدا دوست نداره !!!

با این همه خدا انقدر خوبه که باز هم روزی ما رو میده باز هم صدای ما رو میشنوه و باز هم هر لحظه با عشق نگاهمون می کنه به امید اینکه ما به راه بیایم و شرمنده بشیم و راه درست رو بریم ... و همه ی اینها رو برای این می خواد که ما آینده ی خوبی داشته باشیم برای اینکه ما اذیت نشیم !!! می دونید بچه ها ... آینده ی واقعی ما کجاست؟ (چند ثانیه سکوت) اینکه بریم دانشگاه؟ اینکه ازدواج کنیم؟ اینکه بچه دار بشیم؟ اینکه شغل خوبی داشته باشیم؟ ویا اینکه پولدار بشیم !!!

بچه ها اینا خوبه ولی چیزهای خیلی خیلی مهم تری وجود داره ... اینکه ما هر کسی هم که باشیم بالاخره می میریم ... خب اگه به شما بگن شما چند سال تو این خونه می تونید زندگی کنید بعد همه ی چیزایی که دارید رو ازتون میگیریم جز اون چیزایی که برای خونه بعدی تون فرستاده باشید ... خب شما باشید چی کار می کنید؟ آدم عاقل هر چی در میاره نصفش رو میفرسته برای خونه ی بعدی اش که وقتی رفت اونجا نخواد از صفر شروع کنه !!!

خب اون خونه ی دوم ما هم بعد از مرگه ... اگه هیچی نفرستاده باشیم اون طرف خط بیچاره ایم فقط سختی و عذاب ... و خدا هم اصلا دوست نداره بنده هاش در سختی باشند ... (به تناسب وقت می توان بیشتر در این باره صحبت کرد)

بچه ها این آیه رو شنیدید: " و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوت الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و الیومنوا بی لعلهم یرشدون "

بینید خدا چقدر بنده هاشو دوست داره ... هر وقت که شما یه چیز ازش بخواید کافیه که صداس کنید ... حتی توی دلتون؛ اون صداتونو می شنوه و خواسته هاتونو برآورده می کنه ... ولی یه وقتایی کارای بدی که ما انجام دادیم نمیداره دعا هامون مستجاب بشه! باید بگردیم ببینیم اشکال کارمون چیه؟ بچه ها سعی کنید زیاد با خدا حرف بزنید ... زیاد بهش فکر کنید و هر وقت که کار اشتباهی انجام دادید ازش عذرخواهی کنید ... هر چی دعا کنید حتی اگر تو این دنیا برآورده نشه چندین برابرش رو تو ائن دنیا بهتون میدن یه طوری که آرزو می کنی کاش هیچ کدوم از دعاهات تو دنیا برآورده نمیشد ... خدا خیلی مهربونه ها ... دعا می کنید از ریز و درشت رو از خودش بخواید ... دعاهای بزرگ کنید ... دعا کنید خدا امامون رو بیاره ... خیلی برای امام زمان (عج) دعا کنید ایشون همیشه به ماها نگاه می کنند و کارهامونو می بینند زشت نیست ما سالی به ماهی هم یه یادی ازشون نکنیم؟ !!! اگه تو همش به یاد دوستت باشی و همش بهشزنگ بزنی ولی بفهمی که اون اصلا یاد تو نیست و دیگران رو از تو بیشتر دوست داره ناراحت نمیشی؟ !!! حالا بینید امام زمان چقدر یاد ما میکنه و ما خیلی کم! دلش میشکند دیگه ... بچه ها بیاید به هم یه قولی بدیم

... همیشه تو قنوت نمازهامون " اللهم عجل لوليک الفرج " رو فراموش نکنیم ... با خدا زیاد حرف بزنیم ... اگه

دوست داشتید یه دفترچه بردارید و هر وقت که ناراحت بودید یا هر اتفاقی براتون افتاده بود برای خدا بنویسید و باهاش درد و دل کنید گرچه خدا خودش می دونه ولی وقتی می نویسید احساس خیلی خوبی بهتون دست میده ... دیگه هیچ وقت احساس تنهایی نمی کنید ... بچه دعا بعضی وقتها خیلی بیشتر اجابت میشه ... یکی موقع بارش باران ... یکی وقت اذان و بعد نمازها ... یکی موقع طلوع و غروب خورشید و بهترینش موقع سحر یعنی قبل از اذان صبح ... اون موقع فقط بنده های خاص خدا بیدارند و خدا به یه چشم دیگه به اونا نگاه می کنه ... اگه می خواهید خاص باشید سحرها با خدا راز و نیاز کنید ... خب البته توفیقش هم به همه نمیدن فقط به همون آدمای خاص میدن ... سعی کنیم خاص باشیم  
دعای پایانی

خب بچه ها همه دستها رو بالا ببریم با هم دعا کنیم شما بعد از من "الهی آمین" بگید :

اللهم عجل لوليک الفرج ....

خدایا ما رو جزو بنده ای خاصت قرار بده...

خدایا کمکمون کن که از یاد تو غافل نشیم ...